

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

مبانی فلسفی عرفانی الفت و محبت بین ارواح پیش از حیات دنیوی

استاد راهنما:

دکتر مهدیه السادات مستقیمی

نگارنده:

مریم کاظم زاده حقیقی

زمستان ۱۳۹۲

پیشکش ہے؛

ساحت مطہر انوار واحد ملکوتی و ذوات قدسی معصومین (علیہم السلام) کہ واسطہ فی فیض وجود باری تعالیٰ و سبب خلقت
ماسوا هستند و خداوند بہ سبب خلقت انوار وجود ایشان برمانست نہاد و بہ ولایت ایشان مارا پاکیزہ کردانید.

و با تقدیمی و اثرہ؛

این بصناعت فرجات را بہ بانوی فضیلت و کرامت، بہ قبلہ مروّت و قلہ قوّت، بہ روشنی، بخش خورشید حضرت فاطمہ
معصومہ (سلام اللہ علیہا) کہ سایہ سار عنایت ایشان پیوستہ پناہ تشنگان زلال حقیقت بودہ است ابدامی نمایم.

﴿قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ﴾^۱

الحمد لله الدال على وجوده بخلقه، ومحدث خلقه على أزمته، وباشتباههم على أن لا شبه له. لا تستلمها المشاعر، ولا تحجبها السواتر، لافتراق الصانع والمصنوع، والحاد والمخدود، والرب والمربوب والظاهر لبرؤية، والباطن لابلطافه. بان من الأشياء بالقهر لها، والقدرة عليها، وبانت الأشياء منه بالخضوع له، والرجوع إليه.^۲

شکر شایان نثار ایزد منان که توفیق را رفیق را رفیق راهم ساخت

و کسب دانش و معرفت را روزی ام نمود.

با سپاس ویژه از سرکار خانم دکتر مستقیمی که با وجود مشغله‌های فراوان، با تلاشی بی‌وقفه و خستگی ناپذیر بنده را در امر نگارش پایان نامه یاری نمودند؛ هر چند که زبان، جهت تقدیر از تلاش دلسوزانه ایشان قاصر و قلم ناتوان است.

و با سپاس از خانواده‌ی عزیزم به ویژه مادر فداکارم که سجده‌ی ایثارش گل محبت را در وجودم پروراند و دامان گهربارش لحظه‌های مهربانی را به من آموخت و خواهر مهربانم که سایه‌ی پربرکت وجودش امیدی فروزان در زندگیم است و مینوی خوبم به پاس عاطفه سرشار و گرمای امیدبخش وجودش که در این سردترین روزگاران پشتیبانم بود.

و با تشکر از همه‌ی دوستان عزیزم که وجودشان شادی‌بخش و صفایشان مایه آرامش من است.

۱. نمل/۱۹ (پروردگارا! شکر نعمتهایی را که بر من ارزانی داشته‌ای به من الهام کن).

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۵۲.

چکیده

عشق و محبت پدیده روحی بسیار مهمی است که ماهیت و ابعاد آن از چشم‌اندازهای متفاوت نیازمند تفسیر و تبیین است. بررسی مبانی محبت بین ارواح پیش از حیات دنیا یکی از معضله‌ترین مباحث این زمینه است که در پیشینه‌ی پژوهشی آن نیز هیچ تحقیق مستقلی یافت نشد. در این تحقیق با تأملات فلسفی و عرفانی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای با روش استنباطی، توصیفی و تحلیلی به آن پرداخته شده است. در این پژوهش به سبک نوآورانه در مرحله نخست پس از تبیین ماهیت و اقسام و علل آفت و محبت بین ارواح انسانی ریشه‌های محبت در مبادی هستی بر مبنای سریان عشق ذاتی حق، حرکت حبی و تناح اسمائی مورد بررسی قرار گرفته است سپس مبانی جهان‌شناسی ارتباط ارواح در عالم "عقل"، "مثال" و "ذر" (عوامل پیش از حیات دنیا) بیان گردیده است و آنگاه به برخی از مبانی انسان‌شناسی این مسئله نظیر اصالت، تجرد و تنزل روح انسان پرداخته شده و در آخر به شواهدی نقلی دال بر وجود محبت بین ارواح در عوامل پیش از دنیا اشاره گردیده است. از نتایج این تحقیق بنیادین این است که ارائه مبانی فلسفی - عرفانی این مسئله می‌تواند برخی از ابهام‌ها و شبهات موجود در این زمینه را برطرف نماید و تأثیر خود را در عرصه‌های کاربردی در مواجهه‌ی عالمانه با این پدیده روحی نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: آفت، محبت، روح، انسان، حیات دنیوی، فلسفه، عرفان، عالم ذر.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
۱. بیان مسئله	۱
۲. پیشینه تحقیق	۲
۳. ضرورت و اهمیت موضوع	۲
۴. سوالات اصلی	۲
۵. سوالات فرعی	۲
۶. فرضیات	۳
۷. روش تحقیق	۳

فصل اول: کلیات

۱. بخش اول: پیش درآمدی بر بحث	۵
۲. بخش دوم: تبیین مفاهیم پایه	۷
۱-۲. محبت	۷
۱-۱-۲. تعریف لغوی محبت	۷
۲-۱-۲. تعریف محبت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان	۸
۳-۱-۲. تعریف محبت از دیدگاه عارفان مسلمان	۹
۲-۲. تعریف لغوی ألفت	۱۱
۳-۲. عشق	۱۲
۱-۳-۲. تعریف لغوی عشق	۱۲
۲-۳-۲. تعریف اصطلاحی عشق	۱۳
۴-۲. تفاوت بین محبت و ألفت و عشق	۱۴
۵-۲. روح	۱۵
۱-۵-۲. تعریف لغوی روح	۱۵
۲-۵-۲. تعریف روح از دیدگاه فلاسفه مسلمان	۱۶
۳-۵-۲. تعریف روح از دیدگاه عارفان مسلمان	۲۰
۶-۲. حیات	۲۱
۱-۶-۲. تعریف حیات در لغت عرب و زبان قرآن	۲۱
۲-۶-۲. تعریف حیات از دیدگاه فیلسوفان مسلمان	۲۵

۲-۶-۳. تعریف حیات از دیدگاه عارفان مسلمان ۲۶

فصل دوم: اقسام ألفت و محبت و علل آن

- ۲-۱. بخش اول: اقسام ألفت و محبت از دیدگاه فلاسفه و عرفای مسلمان ۲۹
- ۲-۱-۱. عشق و محبت حقیقی و مجازی ۳۱
- ۲-۱-۲. عشق و محبت طبیعی و اختیاری ۳۳
- ۲-۱-۳. عشق عقلایی و حیوانی ۳۳
- ۲-۱-۴. عشق و محبت طبیعی، روحانی و الهی ۳۴
- ۲-۱-۵. اقسام عشق از عشق الهی تا بهیمی (از دیدگاه عارف روزبهان بقلی) ۳۷
- ۲-۱-۶. تبیین قاعده المجاز قنطرة الحقیقة از دیدگاه فلاسفه ۳۹
- ۲-۲. بخش دوم: علل ألفت و محبت ۴۵
- ۲-۲-۱. لذت ۴۵
- ۲-۲-۲. احسان (منفعت) ۴۶
- ۲-۲-۳. رابطه علیت ۴۶
- ۲-۲-۴. ارتباط و همراهی ۴۶
- ۲-۲-۵. اشتراک ۴۶
- الف: اشتراک در اوصاف ظاهری ۴۷
- ب: اشتراک در علت ۴۷
- ۲-۲-۶. مناسبت پنهانی ۴۷
- ۲-۲-۷. جمال دوستی ۴۸
- ۲-۲-۸. فعل بطلان و یاوه گویان ۴۸
- ۲-۲-۹. علت جسمانی و مزاجی ۴۹
- ۲-۲-۱۰. علت ناشناخته ۴۹
- ۲-۲-۱۱. طالع ۵۰
- ۲-۲-۱۲. شوق به اتحاد ۵۰
- ۲-۲-۱۳. علل الفت و محبت از نظر خواجه عبدالله انصاری ۵۰

فصل سوم: مبانی محبت بین ارواح در مبادی هستی

- ۳-۱. بخش اول: سریان عشق و حرکت حبی از ذات خدا ۵۴

- ۳-۱-۱. تساوق سریان عشق با سریان وجود ۵۹
- ۳-۲. بخش دوم: سریان عشق از عالم اسماء و صفات و تناکح بین آنها ۶۶
- ۳-۲-۱. تعیین اول و تعیین ثانی ۶۶
- ۳-۲-۲. مرتبه احدیت ۶۸
- ۳-۲-۳. مرتبه‌ی واحدیت ۶۹
- ۳-۲-۴. فیض مقدس ۶۹
- ۳-۲-۵. رابطه‌ی ألفت و محبت بین ارواح انسانی و تناکح اسمائی ۷۰
- الف) تناکح اسماء ۷۲
- ب) اصول مراتب تناکح اسمائیه ۷۳
- ج) اقسام و مراتب تناکح اسمائیه ۷۴

فصل چهارم: مبانی جهان‌شناسی ألفت و محبت

بین ارواح انسانی پیش از حیات دنیا

- ۴-۱. بخش اول: ألفت و محبت بین ارواح در جهان‌های محاذی پیش از حیات دنیا ۷۸
- ۴-۱-۱. تبیینی از مفهوم جهان‌های پیش از حیات دنیا ۷۸
- تقدم ۷۸
۱. تقدم رتبی ۷۹
۲. تقدم زمانی ۷۹
- ۴-۱-۲. تقسیم عوالم از نظر فلاسفه و عرفا ۸۰
- ۴-۱-۲-۱. عالم عقل یا عقول با مفارقات تام یا ارواح یا جبروت ۸۴
۱. دیدگاه ملاصدرا ۸۴
- کثرت طبقات و مراتب عالم عقل ۸۵
۲. عالم عقول از دیدگاه ابن سینا ۸۷
۳. عالم انوار قاهره از نظر سهروردی ۸۹
۴. عالم عقول از نظر عرفا ۹۱
۵. عالم عقول از نظر امام خمینی ۹۱
- ۴-۱-۳. ارتباط ارواح در عالم عقول ۹۲
- ۴-۱-۴. عالم مثال یا برزخ یا مفارقات غیر تام یا ملکوت یا خیال منفصل ۹۴
- ۴-۱-۴-۱. دیدگاه ملاصدرا ۹۴

- ۹۶..... ۲-۴-۱-۴. عالم اشباح مجردة از نظر سهروردی
- ۹۷..... ۳-۴-۱-۴. عالم مثال از نظر عرفا
- ۹۸..... ۴-۴-۱-۴. عالم مثال مطلق از نظر امام خمینی
- ۱۰۰..... ۵-۱-۴. ارتباط ارواح در عالم مثال
- ۱۰۱..... ۶-۱-۴. شباهت و تفاوت عوالم پیش از دنیا و بعد از آن
- ۱۰۳..... ۲-۴. بخش دوم: الفت و محبت بین ارواح در عالم ذر
- ۱۰۳..... ۱-۲-۴. ارتباط ارواح انسانی در عالم ذر
- ۱۰۳..... ۲-۲-۴. سیمای عالم ذر در قرآن
- ۱۰۴..... ۳-۲-۴. وجه تسمیه و نامگذاری عالم ذر
- ۱۰۵..... ۴-۲-۴. عالم ذر از دیدگاه مفسرین
- ۱۰۶..... ۱-۴-۲-۴. تفسیر اول: حقیقی بودن عالم ذر پیش از دنیا
- ۱۰۶..... ۲-۴-۲-۴. تفسیر دوم: تطابق عالم ذر با عالم دنیا
- ۱۱۰..... تقسیم بندی تفسیر دوم
- ۱۱۰..... ۱. تفسیر عالم ذر به عالم جنینی و عالم استعدادها
- ۱۱۱..... ۲. تفسیر عالم ذر به عالم میثاق با رسالت
- ۱۱۱..... ۳. تفسیر عالم ذر جهت گواه گرفتن برای مشرکان
- ۱۱۲..... ۳-۴-۲-۴. تفسیر سوم: عالم ذر یا عالم وجود جمعی (نظر علامه طباطبایی)
- ۱۱۲..... ۵-۲-۴. عالم ذر در برخی از نظریات خاص
- ۱۱۳..... ۶-۲-۴. عالم ذر از دیدگاه فلاسفه مسلمان
- ۱۱۸..... ۷-۲-۴. عالم ذر از دیدگاه عرفای مسلمان
- ۱۲۰..... ۸-۲-۴. الفت و محبت و ارتباط بین ارواح انسانی در عالم ذر

فصل پنجم: مبانی انسان شناسی ألفت و محبت

بین ارواح و شواهد روایی آن

- ۱۲۲..... ۱-۵. بخش اول: مبانی انسان شناسی ألفت و محبت بین ارواح
- ۱۲۲..... ۱-۱-۵. اصل اول: چیستی روح
- ۱۲۶..... ۲-۱-۵. اصل دوم: تجرد و اصالت روح
- ۱۲۸..... ۳-۱-۵. اصل سوم: تنزل روح
- ۱۳۴..... ۴-۱-۵. اصل چهارم: مراتب روح

- ۱-۴-۱-۵ طبع ۱۳۴
- ۲-۴-۱-۵ نفس ۱۳۴
- ۳-۴-۱-۵ عقل ۱۳۵
- ۴-۴-۱-۵ قلب ۱۳۶
- ۵-۴-۱-۵ سرّ ۱۳۶
- ۶-۴-۱-۵ روح ۱۳۶
- ۷-۴-۱-۵ خفی ۱۳۶
- ۸-۴-۱-۵ اخفی ۱۳۷

۲-۵. بخش دوم: دلالت شواهد دینی بر الفت و محبت بین ارواح پیش از حیات دنیا ۱۳۸

- ۱-۲-۵ حدیث جنود مجنّدة ۱۳۸
- ۲-۲-۵ جلوه‌های آسمانی ازدواج ۱۴۰
- ۳-۲-۵ احادیث الفت و محبت پیش از حیات دنیا ۱۴۲

نتیجه ۱۴۵

منابع و مأخذ ۱۴۷

- کتب عربی ۱۴۷
- کتب فارسی ۱۵۴
- مقالات ۱۵۸
- پایان نامه ۱۵۸
- سایت‌های اینترنتی ۱۵۸

مقدمه

۱. بیان مسئله

ألفت و محبت در جوهره‌ی ذات مقوله‌ای تشکیکی و دارای شدت و ضعف است که طیف وسیعی از درجات را از گرایش و تمایل ساده تا عشق را شامل می‌شود. این پدیده شگفت‌انگیز گاهی بنا به دلایلی در قرابت‌های نسبی و سببی و رفع نیازهای متقابل عَرَضی زندگی پدید می‌آید و دارای تبیین طبیعی است ولی گاهی عشق و محبت به جهت کشش‌های ذاتی اسرار آمیزی، بین ارواح پدید می‌آید که باید با تبیین‌های فلسفی و عرفانی به ریشه‌یابی آنها پرداخت. در این میان نظریاتی وجود دارد که ألفت و محبت بین ارواح را به قبل از حیات دنیا بر می‌گرداند و مضمون برخی از روایات نیز متضمن معنای انس بین ارواح پیش از این حیات است. بررسی امکان بازگشت ریشه ألفت و محبت به عوالم پیش از عالم دنیا و ارائه مبانی فلسفی-عرفانی آن امری صعب و دشوار است که به جهت عدم وجود تحقیق مستقلی در این زمینه، نیازمند تلاش فکری و تحقیق عمیقی است.

در آراء و نظریات جریان‌های مختلف فلسفی (مشاء، اشراق، حکمت متعالیه) از سویی و مکاتب عرفانی از سویی دیگر مطالب قابل توجهی پیرامون مقوله‌ی ألفت و محبت بین ارواح انسانی وجود دارد که کشف، استخراج و انسجام بخشی آنها در قالب طرحی نوین با رویکردی تبیینی می‌تواند ابعاد مسئله ألفت و محبت بین ارواح انسانی را روشن سازد.

در این پایان نامه سعی شده است ضمن بررسی مبانی فلسفی-عرفانی پیرامون ابعاد مسئله ألفت و محبت بین ارواح انسانی از دیدگاه فلاسفه و عرفا، مناسبات این دیدگاه با روایات بین ارواح نیز اصطیاد گردیده و تحلیل شود.

۲. پیشینه تحقیق

پیرامون مسئله‌ی عشق و مبانی فلسفی آن در برخی از جریانات فلسفی نظیر مشاء و اشراق و حکمت متعالیه پژوهش‌هایی انجام گرفته است که برخی نمونه‌های آن عبارت است از؛ پایان‌نامه‌های عشق و محبت الهی در اخلاق اسلامی با تاکید بر آرای ابن سینا و احمد بن غزالی، بررسی و جایگاه عشق در حکمت تعالیه، عقل و عشق از دیدگاه ابن سینا و سهروردی، عشق و رابطه آن با جهان هستی از دیدگاه ابن سینا، سهروردی و ملاصدرا، عشق در فلسفه ابن سینا، تطبیق عشق الهی از دیدگاه ابن عربی و حافظ و... و کتب مبانی فلسفی عشق از منظر ابن سینا و ملاصدرا، اتحاد عاشق و معشوق در عرفان، بررسی اجمالی عشق و عرفان محی الدین ابن عربی و

لکن مبانی فلسفی اُلفت و محبت بین ارواح آن هم پیش از حیات دنیوی و ابعاد این مسئله با این رویکرد مورد بی توجهی قرار گرفته است.

۳. ضرورت و اهمیت موضوع

۱. ضرورت انجام تحقیقات بنیادین پیرامون پدیده اُلفت و محبت بین ارواح به جهت اهمیت و مبتلا به بودن این پدیده.

۲. ضرورت ریشه یابی پدیده اُلفت و محبت و تبیین مبانی فلسفی-عرفانی آن.

۳. ضرورت پاسخگویی به سؤالات پیرامون چیستی و چرایی محبت و نحوه ارتباط آن با عوالم قبل از حیات دنیا.

۴. سوالات اصلی

۱. ماهیت اُلفت و محبت بین ارواح انسانی چیست و آیا میتوان خاستگاه آن را به حیات پیش از حیات دنیوی بازگردانید؟

۲. عوالم پیش از حیات دنیوی چه عوالمی هستند و چه علل و عواملی در آن حیات سبب پدیدار شدن محبت بین ارواح انسانی در حیات دنیوی می‌شود؟

۵. سؤالات فرعی

۱. جلوه‌ها و علل محبت در حیات دنیا چیست؟

۲. در روایات چه شواهدی برای بازگشت ریشه محبت بین ارواح به عوالم پیش از دنیا وجود دارد؟

۶. فرضیات

۱. الفت و محبت نوعی رابطه‌ی وجودی بین ارواح است که در برخی از انواع آن می‌توان ریشه‌های آن را به پیش از عوالم دنیا باز گرداند.

۲. عوالم الوهی و عالم عقل و مثال از عوالم پیش از حیات دنیا هستند که سنخیت‌ها و اتحاد جوهره‌ی وجودی ارواح و معرفت آن‌ها نسبت به یکدیگر در آن عوالم سبب ایجاد محبت بین آن‌ها می‌شود.

۳. وجود علت واحد، رفع نیازهای متقابل و برخی علل سببی در حیات دنیا سبب محبت می‌شوند.

۴. روایاتی نظیر "الارواح جنود مجنّدة" و روایات باب طینت و ازدواج‌های آسمانی، ریشه محبت را به عوالم پیش از حیات دنیا باز می‌گردانند.

۷. روش تحقیق

این تحقیق نوعی تحقیق بنیادین است که با شیوه‌ی کتابخانه‌ای و با روش توصیفی، تحلیلی، استنباطی به انجام رسیده است.

فصل اول

کلیات

۱. بخش اول: پیش در آمدی بر بحث

پیش از آن روزی که گردون خاک آدم می سرشت

عشق در آب و گلم تخم تمنای تو کشت^۱

تبیین مسئله اُلفت و محبت بین ارواح بیشتر از هر چیزی می تواند در ساحت فلسفه و عرفان و چشم اندازهای هستی شناسی و معرفت شناسی مورد تحلیل و تبیین قرار گیرد. البته دیدگاه های فلسفی و عرفانی که می توانند ابهام های این مطلب را برطرف نماید بسیار به یکدیگر نزدیکند زیرا فلسفه و عرفان اسلامی از یک آبشخور سیراب می شوند و از یک سرچشمه و خاستگاه سر برآورده اند.

هر چه از تاریخ فلسفه اسلامی به عصر حاضر و دهه های اخیر نزدیک می شویم افق های بیشتری از اتحاد عقل و شهود و یگانگی شالوده فلسفه و عرفان برای ما گشوده می شود. حکما و عرفا در متون فلسفی و عرفانی، گاهی اصطلاحات مشابهی به کار می برند و مباحث مشابهی را مطرح می کنند و به نتایج کما بیش مشترک و مشابهی می رسند هر چند که آنها را با تقریرات و چشم اندازهای متفاوت بیان می نمایند. در کتاب های فلسفی زمانی که فلسفه را بیان می کنند، تصریح می شود، در فلسفه روش برهانی است و به تعبیر دیگر، روش تعقلی است و با اینکه فلسفه نحله های گوناگون دارد - فلسفه مشاء، فلسفه اشراق و حکمت متعالیه - ولی همه در این جهت مشترکند که برای اثبات مسائشان به برهان متمسک می شوند و برای نقد دیدگاه های مخالفان هم به نقد براهین آنها یا اقامه برهان علیه حرف آنها متمسک می شوند. اما اختلافی بین این سه نحله در منبع طرح مسئله وجود دارد: مشائی مسائش را از عقل می گیرد، با تفکر عقلی و با کندوکاو عقلی به مسائل جدید فلسفی می رسد، ولی اشراقی بیشتر کارش این است

۱. جامی، دیوان جامی، (به اهتمام ح. پژمان)، (تهران: انتشارات حسین محمودی، بی تا)، ص ۴۴.

که چیزهایی را که مشاهده می‌کند برهانی نماید؛ یعنی در حقیقت، پیش از آنکه تفلسف کند مشاهده و مکاشفه و کشف حقایق توسط شهود انجام می‌شود. البته این فلسفه نیست، در حقیقت رسیدن به مسئله است. ولی وقتی می‌خواهد مسئله را اثبات کند و یا چیزی را نقد نماید دیگر شهود نقشی ندارد، چنان که در حکمت متعالیه، از هر دو منبع برای طرح مسئله استفاده می‌شود.

اصلی‌ترین معارف و نورانی‌ترین حکم در پرتو اشراقات قرآنی و افاضات عرفانی در حکمت متعالیه صدرایی به ظهور رسیده است. این فلسفه ضمن برخورداری از متانت و اتقان فلسفی و اشتغال بر مباحث کلامی، در جوهره ذاتش با عرفان در آمیخته است.

ألفت و محبت بیش از هر چیز با مسئله سریان عشق و حرکت حبی در موجودات تبیین می‌شود. ملاصدرا در دیدگاه‌های خود پیرامون محبت از ابن عربی تأثیر پذیرفته است. حکیم صدرالمآلهین در موارد بسیار با خضوع و خشوع از عارف برجسته محی‌الدین ابن عربی نام برده و در آثارش، وی را به صفاتی توصیف کرده که دقت در هر یک از آنها جایگاه ابن عربی را در نظام فکری ملاصدرا نشان می‌دهد، اوصافی نظیر؛ "شیخ عارف صمدانی ربانی"، "شیخ ما که خدا از او راضی باد"، "شیخ عارف متأله"، "شیخ کامل قدوة المکاشفین"، "شیخ عارف سبحانی"، "شیخ اکبر و شیخ محقق"^۱.

به طور کلی عرفان و فلسفه دست در دست یکدیگر می‌توانند از چشم اندازه‌های زیبایی‌شناسی و محبت را تفسیر نمایند و در بسیاری موارد به یکدیگر نزدیک‌اند و دیوار غیر قابل عبوری بین آن دو وجود ندارد. الفت و محبت از ابوابی است که هم فیلسوفان و هم عارفان مسلمان در مورد آن مطالب بسیاری را مطرح نموده‌اند لکن زمانی که حجم مباحث مربوط به این موضوع و اهمیتی که این دو گروه برای آن قائل شده‌اند مورد توجه قرار می‌گیرد می‌توان به این نتیجه رسید که عرفا به ألفت و محبت و جایگاه و اصول و فروع آن توجه خاصی مبذول داشته‌اند.

۱. فرشته ندری ایبانه، تأثیرات ابن عربی بر حکمت متعالیه، (تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدر، ۱۳۸۶)، ص ۳.

۲. بخش دوم: تبیین مفاهیم پایه

۲-۱. محبت

۲-۱-۱. تعریف لغوی محبت

در تعریف لغوی واژه محبت، ادباء و لغویون تعاریف متفاوتی ارائه داده‌اند. این امر باعث پدید آمدن تنوع در تعاریف و سخنان این بزرگواران شده است.^۱

در زبان عرب محبت از ریشه حبّ به معنای دوست داشتن است و محبت و دوستی نقیض بغض است.^۲ نظیر همین مطالب در برخی دیگر از کتب لغت معتبر نیز آمده است.^۳ و به معنای علاقه مندی و دوست داشتن چیزی، محبوب، دوست داشته شده و... نیز آمده است.^۴

واژه محبت از جمله واژگانی است که از دایره لغت فارسی نیز در تعریف محبت نکاتی بیان شده است: محبت به فتح میم، مصدر ثلاثی مجرد به معنای مهر، ودّ، و داد، دوستداری، دوستی، مودّت و عشق است.^۵

در فرهنگ معین واژه محبت به معنای دوست داشتن، دوستی و دوستداری آمده است.^۶

واژه محبت و مشتقات آن در قرآن نیز چندین بار به کار رفته است.

در مفردات راغب آمده است محبت به فتح اول و دوم و سوم مصدر میمی از «حبّ» است و اصل حُبّ از حَبّ و حَبّه به معنای دام و دانه گرفته شده است. از آن دو عنوان محبوب بر آن نهاده می‌شود که محبوب در دانه مرکزی قلب نفوذ دارد و از آن به حبه القلب یعنی مرکز و سویدای دل، نتیجه و ثمره دل و خاطر، جایگاه محبت و دوستی یا مرکز وجود یاد می‌شود.

حَبّ و محبت در مقابل بغض به معنای اراده یا خواستن چیزی است که آن را در خیر و نیکو بیابند و یا گمان به خیر بودن آن برود.^۷

۱. رک. فاطمه طباطبایی، سخن عشق، (تهران: پژوهشکده امام خمینی، ۱۳۸۰) ص ۱۷.

۲. ابن منظور، لسان العرب، (بیروت: موسسه علمی للمطبوعات، ۱۴۲۶هـ ق)، ج ۱، ص ۷۱۳.

۳. سید محمد مرتضی الحسینی الواسطی، تاج العروس من جواهر القاموس، (بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴هـ ق)، ج ۱، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

۴. لويس معلوف، المنجد فی اللغة، چاپ اول، (تهران: فرهان، ۱۳۷۹)، ص ۱۱۳.

۵. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، (تصحیح محمد معین و جعفر شهیدی)، (تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷هـ ش)، ج ۱۳، ص ۲۰۳۵۷.

۶. محمد معین، فرهنگ معین، (تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۵هـ ش)، ج ۳، ص ۳۸۹۲.

۷. راغب اصفهانی، المفردات الفاظ قرآن، (تحقیق صفوان عدنان داودی)، (بیروت: دارالشامه، ۱۴۱۲هـ ق)، ص ۲۱۴.

در قاموس قرآن، حبّ به معنای دوست داشتن آمده است. مانند: ﴿يَحْبُونَهُمْ كَحَبِّ اللَّهِ﴾^۱. بیشتر موارد استعمال این واژه در قرآن از باب افعال است.^۲ مانند: ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ﴾^۳، ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ﴾^۴. در تفسیر المیزان نیز علامه «حبّ» را یکی از معانی وجدانی‌ای می‌دانند که با آن سر و کار داریم و درباره اموری چون علم، مال، خوراک و ... به کار می‌بریم و می‌گوییم: علم و مال و ... را دوست داریم؛ چون نشان دهنده علاقه انسان به کمال است. حب چیزی جز میل به جمال و مجذوب شدن در برابر آن نیست؛ به بیانی دیگر حب و دوستی عبارت از تعلق و جودی و جذب خاص شهودی است بین علتی که انسان را به کمال می‌رساند و بین معلول تکامل یافته، حال فرق نمی‌کند که این علت علمی باشد که انسان می‌آموزد یا مالی که در آن تصرف می‌کند. ایشان در ادامه می‌فرمایند: اگر چه معمولاً حب را به خاطر ضرورت وجود شعور و علم، در مورد انسان به کار می‌بریم؛ ولی در حقیقت حبّ از آن جهت که حبّ است تعلق و جودی است که مشروط به علم و شعور نیست، بلکه هر محبّی همه متعلقات خود را دوست دارد و به تعبیر دیگر، حبّ حقیقتی است که در تمام عالم ساری و جاری است و دارای مراتب و شدت و ضعف است.^۵

۲-۱-۲. تعریف محبت از دیدگاه فیلسوفان مسلمان

هر چند حقیقت محبت در قالب الفاظ نمی‌گنجد و عقل عاقلان به آن مقام راه ندارد اما فلاسفه به تناسب اندیشه خود در این رابطه، تعاریفی ارائه داده‌اند:

محبت در انسان در اصطلاح فلسفی از کیفیات نفسانی است که عبارت از تعلق و انجذاب نفس به شیئی ملازم است، از آن حیث که ملائم با طبع و غریزه یا عقل و قلب است و با تجرید از موارد نقص میتوان آن را به خدا نسبت داد.^۶

به تعبیر صدر المتألهین حکیم و فیلسوف بزرگ اسلامی عشق و محبت مترادف یکدیگرند^۷ و محبت عبارت است از بهجت و سرور نسبت به شیء موافق، خواه بهجت عقلی

۱. بقره/۱۶۵: (آن‌ها را دوست می‌دارند چون دوست داشتن خدا)

۲. سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، چاپ دوازدهم (تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷هـ ش)، ج ۱ و ۲، ص ۹۳.

۳. قصص/۵۶ (تو نمی‌توانی هر کس را که دوست داری هدایت کنی).

۴. بقره/۱۹۵ (خداوند نیکوکاران را دوست دارد).

۵. رک. سید محمد حسین طباطبایی، المیزان، (ترجمه محمد باقر موسوی همدانی)، (قم: دار العلم، بی تا)، ج ۱، ص ۶۲۰-۶۱۸.

۶. ک: لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۳۵۷.

۷. صدر المتألهین محمد شیرازی (ملاصدرا)، الحکمة المتعالیة فی الاسفار الاربعة العقلیة، (تصحیح و مقدمه علی اکبر رشاد)،

(تهران: بنیاد حکمت اسلامی صدرا، ۱۳۸۳ش)، ج ۷، ص ۱۴۹.

باشد یا حسی و بهجت اعم از این که حقیقی باشد یا باطنی. «إِنَّ المحبه... عباره عن الأبتهاج...»^۱ ایشان معتقد است که در همه موجودات، عشق و شوقی نسبت به کمال وجود دارد و معشوق و محبوب حقیقی ذات حق تعالی است.^۲ ابن سینا رساله‌ای با عنوان رساله عشق تدوین نموده است که در آن عشق و محبت را برای همه موجودات اثبات کرده است و هر موجودی را به میزان هستی خاص خود، محبت و عاشق معرفی می‌کند و این حب و عشق را موجب پیدایش موجودات و حیات آن‌ها می‌داند.^۳

سهروردی در مجموعه مصنفات خود به تفصیل در مورد عشق و محبت سخن گفته است: محبت چون به غایت رسد آن را عشق خوانند، «العشق، محبه مفرطه» و عشق، خاص‌تر از محبت است زیرا که همه عشقی محبت باشد اما همه محبتی عشق نباشد و محبت خاص‌تر از معرفت است زیرا که همه محبتی معرفت باشد اما همه معرفتی محبت نباشد.^۴

۲-۱-۲. تعریف محبت از دیدگاه عارفان مسلمان

رد پای مقوله عشق و محبت به وضوح در سطر سطر متون عرفانی ما مشاهده می‌شود تا آن جا که می‌توان ادعا نمود که این امر از محوری‌ترین موضوعات عرفانی است که هم «قوس نزول» با او آغاز می‌گردد و هم در قوس صعود، زمینه تکامل انسان را فراهم می‌سازد. برخی کوشیده‌اند به سبک و سلیقه خود به توصیف و تبیین این واژه بپردازند اما به نظر اکثر عرفا حقیقت، محبت و عشق قابل تعریف نیست زیرا نمی‌توان آن را تحت مقوله‌ای از مقالات درآورد و برای آن حبس و فصلی در نظر گرفت.

از نظر ابن عربی که عشق و محبت قابل تعریف منطقی نیستند و اگر کسی آن را تعریف کند این عمل نشان‌دهنده آن است که این مفاهیم را درست نشناخته است و از نظر وی معلومات بر دو قسمند:

یک دسته از آن‌ها قابل تعریف‌اند و یک دسته قابل تعریف نیستند. محبت نزد کسانی که عشق شناسند و درباره آن سخن می‌گویند قابل تعریف نیست. کسی آن را می‌شناسد که محبت

۱. ملاصدرا، المبدأ و المعاد، (بیروت: دار الهادی، ۱۴۲۰هـ ق)، ص ۱۷۰؛ همو، رساله سه اصل (تصحیح سید حسین عنصر)، ص ۱۶۹.

۲. ملاصدرا، حکمت متعالیه فی الاسفار الاربعه العقلیه، (۱۳۸۳)، ج ۷، ص ۱۴۸.

۳. رک. ابوعلی سینا، الرسائل، رساله العشق، (قم: بیدار، ۱۴۰۰هـ ق)، ص ۳۷۶-۳۷۵.

۴. ابن عربی، مجموعه مصنفات، (تصحیح و مقدمه هنری کرین و سید حسین نصر)، (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۶۴)، ص ۲۷۴.

در وجودش لانه کرده و صفت او شده باشد. اما حقیقت آن، قابل شناخت و وجودش قابل انکار نیست.^۱ ابن عربی در جایی می‌گوید: «الحبّ ذوق و لاتدری حقیقته»^۲ محبت چشیدنی است و حقیقتش شناخته نیست. پس فقط می‌توان به توصیف محبت پرداخت و بر مبنای ذوق و دریافت شخصی خود از آن سخن گفت و در جای دیگر می‌گوید: «عشق حد ذاتی ندارد که با آن شناسایی شود اما از راه تعریف به رسم و تعاریف لفظی می‌توان به حریم آن نزدیک شد. پس هر کس عشق و محبت را تعریف کند و آن را نچشیده باشد آن‌ها را نشناخته است.»^۳

در تعریف محبت دیگر بزرگان نیز در آثار خود تعریفی جامع و مانع از محبت ارائه نکرده‌اند و حقیقت محبت را امری ذوقی می‌دانند که درک آن با چشیدن و رسیدن امکان پذیر است و همین مسأله موجب پیدایش تنوع در تبیین آن‌ها از محبت می‌شود و در بیانی، بنای تمام احوال عالیّه را بر محبت^۴ می‌دانند و در قولی دیگر محبت ابتهاج^۵ شمرده شده است و ... از نظر کاشانی حقیقت محبت رابطه‌ای اتحادی است که محب و محبوب را با هم متحد می‌سازد؛ جذبه‌ای از جذبه‌های محبوب است که محب را به سوی خود فرا می‌خواند.^۶

بنا به نظر امام خمینی رحمته عشق و محبت چیزی است که آسمان بر پایه آن استوار است زیرا اگر حب ذاتی حق تعالی نبود هیچ موجودی پا به عرصه هستی نمی‌گذاشت و به هیچ کمالی نمی‌رسید. «لولاک ذلک الحب کما یظهر موجود من الموجودات و لا یصل الی کمال من الکمالات؛ فان بالعشق قامت السموات»^۷ و به عبارت دیگر محبت و عشق از نظر عرفان کلید خزائن غیب و اسرار نهان و انگیزه خلقت موجودات است. در اصطلاح تصوف، محبت عبارت است از غلیان دل در مقام اشتیاق به لقاء محبوب. قشیری گوید: محبت محور حب است بصفاة و اثبات محبوب است بذاته که تمام صفات خود را در طلب محبوب نفی می‌کند.^۸

۱. ابن عربی، الفتوحات المکیة، (بیروت: دار الاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۸هـ ق)، ج ۳، ص ۴۸۷.

۲. همان، ص ۴۸۰.

۳. همان، ص ۱۷۱-۱۷۰.

۴. عزالدین کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، (مقدمه و تصحیح عفت کرباسی، و محمدرضا بزرگ خالقی)، (تهران: زوار، ۱۳۸۲)، ص ۲۸۱.

۵. خواجه نصیر الدین طوسی، اوصاف الاشرف، (تصحیح و توضیح نجیب مایل هروی)، (مشهد، امام، ۱۳۶۱)، ص ۱۲۷.

۶. عزالدین کاشانی، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، (مقدمه و تصحیح عفت کرباسی، و محمدرضا بزرگ خالقی)، ص ۴۰۶.

۷. روح الله موسوی خمینی، مصباح الهدایة إلی الخلافة و الولاية، (مقدمه سید جلال الدین آشتیانی)، (تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته، ۱۳۷۲)، ص ۷۲.

۸. لغت نامه دهخدا، ج ۱۳، ص ۲۰۳۵۷.